

تصویرگر: علیرضا میرشجاعی

## نشانی دقیق

شبیبه روزهای ابری  
دل‌م گرفته بود آقا  
دوباره برق گنبد تو  
دل مرا کشاند این جا

عجب نشانی دقیقی  
دل‌م رسید پای ایوان  
تمام غصه‌اش تکان خورد  
چکید قطره قطره باران

شبیبه آفتاب بودی  
تو با دل‌م چه کار کردی؟  
یخ دل‌م شکست آقا  
دل مرا بهار کردی

منیره هاشمی

## نام تو

قد کشیده نام تو  
در دل ترانه‌ای  
واژه‌ای سروده است  
شعر عاشقانه‌ای

نام یک گل است که  
سبز می‌شود بهار  
نام یک گل است در  
ابتدای انتظار

نام تو تلاوت  
آیه‌های روشنی است  
مثل شعر خواندنی  
مثل قصه گفتنی است

در زمین و آسمان  
نام تو زبانزد است  
نام تو ستوده است  
نام تو محمد(ص) است  
اکرم‌السادات هاشمی

## باران پروانه

هر جا که باشیم  
تهران و کرمان، رشت یا اهواز  
باعطر یاد تو، کبوتروار  
دل می‌کند پرواز

هر جا که باشیم  
دل‌ها مقیم آستان توست  
رنگین کمان آرزوهایمان  
در آسمان توست

تا از تو می‌گوییم  
نور تو می‌آید،  
باران پروانه

تا از تو می‌گوییم  
هر واژه عاشق می‌شود،  
هر واژه دیوانه

محمودپور وهاب

## رعد و برق

ابرها شمشیربازی می‌کنند  
و چکاچک رعد،  
و چکاچک برق!  
می‌رسد فریادشان از غرب  
می‌رسد فریادشان از شرق  
و تماشایی، فقط باد است  
می‌وزد از هر جهت،  
شاد است.

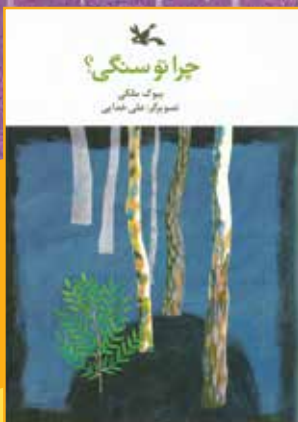
جعفر ابراهیمی



## دعای پرنده کوچک

خدای عزیز!  
نمی‌دانم چگونه تو را شکر گویم  
و چه طور باید دعا کنم.  
ولی خدایا!  
آشیانم را از باد و باران حفظ کن  
شب‌نم فراوان روی گل‌ها بنشان  
و دانه‌های بسیار در مسیرم بپاش  
آسمانت را وسیع کن  
و شاخه‌های درختان را شکوفا کن  
بگذار نور مه‌رت تا همیشه  
در آسمان بماند  
و قلبم را از نوایی که باید بخوانم  
سرشار کن.

شاعر: کارمن برنورد گاستلر  
ترجمه: رامک نیک‌طلب



### حتماً بخوانیم

#### چرا تو سنگی؟

کتاب حاضر در بردارنده مجموعه شعرهایی با این عنوان‌هاست: «بهار»، «صلح»، «باید، نباید»، «تو»، «خواب»، همچنین، شعرهایی با مضمون‌های طبیعت، زندگی و خواب نیز در این کتاب آمده‌اند.

- نویسنده: بیوک ملکی
- ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- سال: ۱۳۹۴
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۲۱۲۷

## مقصد و مقصود

از خدا گر ره خدا طلبی  
مطلب جز محمد (ص) عربی

زان که مطلوب اهل بینش اوست  
بلکه مقصود آفرینش اوست

شاه ایوان مکه و یثرب  
ماه تابان مشرق و مغرب

شرف گوهر بنی آدم  
وز شرف سرور همه عالم

کوی او مقصد است و او مقصود  
او محمد، مقام او محمود

پنجه آفتاب تا بر تافت  
به یک انگشت، قرص مه بشکافت

بود برتر ز انجم و افلاک  
زان که نفتاد سایه‌اش بر خاک

آن که بگذشت از سپهر برین  
سایه او کجا فتد به زمین؟

ذات او چیست بعد خیل رُسل؟  
گل پس از برگ و میوه بعد از گل

هلالی جغتایی